

Original Article

The Mediating Role of Self-Compassion in the Relationship Between Early Maladaptive Schemas and Marital Conflict

Hossein Moradi Davijani¹, Jahangir Karami^{2✉}, Kamran Yazdanbakhsh³

1. Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

2. Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

3. Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran.

Received: 2024.03.24

Revised: 2024.10.26

Accepted: 2024.11.08

Doi: [10.48308/10.48308/JFR.2024.235189.1727](https://doi.org/10.48308/10.48308/JFR.2024.235189.1727)

Abstract

The present study was conducted with the aim of determining the relationship between early maladaptive schemas and marital conflicts through the mediating role of self-compassion in married couples referring to Kermanshah counselling centers. The present study was a description of the correlation type with the path analysis method. The statistical population was all married clients to Kermanshah counselling centers in the first ten months of 2023, from which 210 samples were selected as available. The subjects completed the questionnaires of early maladaptive schemas, self-compassion and marital conflict. Data were analyzed through Pearson's correlation coefficient test and path analysis through SPSS-26 and AMOS-24 software. The results showed that the proposed model has a good fit. The findings revealed that all five areas of early maladaptive schemas have a negative relationship with self-compassion and positive relationship with marital conflict. Also, self-compassion has a negative relationship with marital conflict. The results of the path analysis showed that all five domains of early maladaptive schemas are related to marital conflict through self-compassion. Considering the marital conflict effects on families and society, considering the variables used this research can provide the basis for planning to control the frequency of marital conflicts and reduce destructive conflicts.

Keywords: married people, marital conflict, self-compassion, early maladaptive schemas

How to cite: Moradi Davijani, H., Karami, J., & Yazdanbakhsh, K. (2024). The mediating role of self-compassion in the relationship between early maladaptive schemas and marital conflict. *Journal of Family Research*, 20(2), 23-46. doi: 10.48308/jfr.2024.235189.1727

✉Corresponding Author Email Address: j.karami@razi.ac.ir



Copyright: © 2024 by the authors. Submitted for possible open access publication under the terms and conditions of the creative commons attribution (CC BY) license (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).

مقاله پژوهشی

نقش میانجی شفقت خود در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی

حسین مرادی داویجانی^۱، جهانگیر کرمی^۲ ✉، کامران یزدانبخش^۳

۱. گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۲. گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.
۳. گروه روان‌شناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران.

پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

دریافت نسخه اصلاح‌شده: ۱۴۰۳/۰۸/۰۵

دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۰۱/۰۵

DOI: [10.48308/jfr.2024.235189.1727](https://doi.org/10.48308/jfr.2024.235189.1727)

چکیده: مطالعه حاضر با هدف تعیین رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی از طریق نقش میانجی شفقت خود در متاهلین مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه انجام شد. پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی با روش تحلیل مسیر بود. جامعه آماری، کلیه مراجعین متاهل به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه در ده ماهه اول سال ۱۴۰۲ بودند که از آن‌ها تعداد ۲۱۰ نمونه به صورت در دسترس انتخاب شدند. آزمودنی‌ها پرسشنامه‌های طرحواره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF)، شفقت خود (SCS) و تعارض زناشویی (MICQ) را تکمیل نمودند. داده‌ها از طریق آزمون ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر از طریق نرم افزارهای SPSS-26 و AMOS-24 مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج نشان داد مدل پیشنهادی از برازش مطلوبی برخوردار است. یافته‌ها مشخص کرد هر پنج حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با شفقت خود رابطه منفی و با تعارض زناشویی رابطه مثبت دارند. همچنین شفقت خود با تعارض زناشویی رابطه منفی دارد. نتایج تحلیل مسیر نشان داد هر پنج حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود رابطه دارند. با توجه به اثرات تعارضات زناشویی بر خانواده‌ها و جامعه، در نظر گرفتن متغیرهای به کار رفته در این پژوهش می‌تواند زمینه را جهت برنامه‌ریزی به‌منظور کنترل فراوانی تعارضات زناشویی و کاهش تعارضات مخرب فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: کلیدواژه‌ها: افراد متاهل، تعارض زناشویی، شفقت خود، طرحواره‌های ناسازگار اولیه

استناد به این مقاله: مرادی داویجانی، ح، کرمی، ج، و یزدانبخش، ک. (۱۴۰۳). نقش میانجی شفقت خود در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی. خانواده پژوهی، ۲۰(۲)، ۲۳-۴۶. DOI: 10.48308/jfr.2024.235189.1727

✉ نویسنده مسئول: J.karami@razi.ac.ir

مقدمه

زندگی راهی است که معمولاً با شریک زندگی طی می‌شود. این مسیر پر از ارتباط، انتظار، تعدیل و شناسایی است. ازدواج یکی از نقاط عطف زندگی است که در آن فرد شریک زندگی خود را با نقشی جدید و انتظارات جدید انتخاب می‌کند. ازدواج، گرد هم آمدن دو فرد کاملاً متفاوت به‌عنوان زن و شوهر است که برای برنامه‌ریزی و تشکیل خانواده باهم به توافق می‌رسند (تاسو و گتاهون، ۱، ۲۰۲۱). هرگاه دو نفر در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، در نهایت برخی از باورها و عادات شخصی یکی از زوجین، فارغ از درجه عشق، دیگری را آزار می‌دهد. در روابط سالم، زوجها تمایل به پذیرش و حل تعارض دارند اما در مورد روابط ناسالم، تعارضات زناشویی به دلایل مختلفی ایجاد می‌شود. از زمینه‌های موثر بر تعارضات زناشویی می‌توان به عواملی همچون اختلاف نظر میان زوجها، نیازهای ارضاننده طرفین، موقعیت‌های استرس‌آور در زندگی زناشویی، رفتارهای متضاد زوجین، اشتباهات و بدقولی‌های همسر، تأثیرات فضای مجازی، چالش‌های حضور در جمع و ارتباط با خانواده‌های اصلی و همچنین شرایط نامساعد اقتصادی اشاره کرد (کاوه فارسانی، ۲۰۲۰). در زوج‌هایی که به تازگی زندگی زناشویی خود را آغاز کرده‌اند نیز عواملی از قبیل فضای ناخوشایند خانواده مبدأ، روابط فرازناشویی، نوع ساختار قدرت در خانواده، ایده‌آل‌های ذهنی و تفاوت در سبک زندگی طرفین، مشکلات مالی و اقتصادی، ضعف زوجین در مهارت‌های زندگی مشترک، هویت مدرن زنان امروز، ناآگاهی از مسائل جنسی، وجود بیماری روانی و اختلالات رفتاری یکی از زوجین و فقدان عشق و محبت اولیه از موارد مهم موثر بر تعارضات زناشویی می‌باشند (رضاپور میرصالح، ۲۰۲۲). زمانی که بین عملکرد و انتظارات نقش همسری تعارض وجود داشته باشد، منجر به ناسازگاری روابط زن و شوهر و اختلافات زناشویی می‌شود (پاتان، ۲، ۲۰۱۵). امروزه بسیاری از متخصصان بالینی اتفاق نظر دارند که به علت وجود تفاوت‌های فردی، تعارضات زناشویی بخشی اجتناب‌ناپذیر در زندگی مشترک می‌باشند و آنچه که مهم است، شیوه درک تعارض، کنترل آن و فراوانی تعارض است (چن و همکاران، ۳، ۲۰۱۸) زیرا میزان تعارضات زناشویی می‌تواند منجر به کاهش رضایت جنسی، کیفیت روابط زناشویی و صمیمیت شده و زمینه طلاق رسمی و عاطفی را ایجاد کند (اولیچ و همکاران، ۴، ۲۰۲۲).

طبق یافته‌های پژوهشی یکی از عوامل روانشناختی که می‌تواند بر تعارضات زناشویی اثر بگذارد، طرحواره‌های ناسازگار اولیه ۵ می‌باشد (عدل‌پرور، ۲۰۲۳؛ اسدزاده، ۲۰۲۳؛ عدل‌پرور و همکاران، ۶، ۲۰۲۲؛ مقتدر و حلاج، ۷، ۲۰۱۸). طرحواره‌های ناسازگار اولیه الگوهای هیجانی شناختی خود آسیب‌رسانی هستند که اغلب در اوایل دوره رشد در ذهن شکل گرفته‌اند و در طول زندگی تکرار می‌شوند. طرحواره‌ها نقش برجسته‌ای در تفکر، احساس، رفتار و نحوه برقراری ارتباط افراد با دیگران بازی می‌کنند و به گونه‌ای متناقض و اجتناب‌ناپذیر، زندگی بزرگسالی را به شرایط ناگوار دوران

کودکی مرتبط می‌کنند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی به وجود می‌آیند، طبق این دیدگاه انسان‌ها پنج نیاز هیجانی اساسی دارند، دلبستگی ایمن به دیگران (شامل نیاز به امنیت، ثبات، محبت و پذیرش)، خودگردانی، ۹، کفایت و هویت، آزادی در بیان نیازها و هیجان‌های سالم، خودانگیختگی ۱۰ و تفریح، محدودیت‌های واقع‌بینانه و خویشتن داری ۱۱. بر اساس این پنج نیاز هیجانی ارضا نشده هجده طرح‌واره ایجاد می‌شوند که در پنج حوزه بریدگی ۱۲ و طرد ۱۳، خودگردانی و عملکرد مختل ۱۴، محدودیت‌های مختل ۱۵، دیگر جهت‌مندی ۱۶ و گوش به زنگی بیش از حد و بازداری ۱۷ قرار می‌گیرند (یانگ و همکاران، ۱۸، ۲۰۰۶). طرحواره‌های ناسازگار اولیه تعارض بین‌فردی را پیش‌بینی می‌کنند و ماهیت ناکارآمد آن‌ها وقتی ظاهر می‌شود که افراد در زندگی روزمره و در تعاملاتشان با دیگران به‌ویژه در روابط زناشویی خود به شکلی عمل می‌کنند که طرحواره‌های آن‌ها تایید شود، حتی اگر برداشت اولیه آن‌ها درست نباشد (یانگ و همکاران، ۲۰۰۶). طرحواره‌های ناسازگار اولیه باعث سوگیری در تفسیرهای ما از رویدادهای به وجود آمده در زندگی زناشویی می‌شوند، که این سوگیری‌ها در آسیب‌شناسی روانی میان‌فردی به شکل سوءتفاهم‌ها، نگرش‌های تحریف‌شده، گمانه‌زنی‌های نادرست، هدف و چشم‌داشت‌های غیر واقع‌بینانه خود را نشان می‌دهند که تمامی آن‌ها بر زندگی زناشویی می‌توانند اثرگذار باشند (پاسکال و همکاران، ۱۹، ۲۰۰۸، به نقل از وزیر و نژاد محمد نامقی، ۲۰، ۲۰۲۰). زمانی که یکی یا هر دو همسر سطوح بالایی از باورهای غیرمنطقی و افکار غیرقابل انعطاف دارند، میزان رضایت زناشویی کاهش می‌یابد (دومیترسکو و روسو، ۲۱، ۲۰۱۲).

یکی دیگر از عواملی که با تعارضات زناشویی رابطه دارد شفقت خود ۲۲ می‌باشد (عراقیان و همکاران، ۲۳، ۲۰۲۰). نف بر شفقت خود به‌عنوان یک نگرش و رابطه سالم با خود اشاره می‌کند. او بیان می‌کند که شفقت خود بیانگر برقرار کردن تماس با رنج و گشوده و پذیرا بودن در برابر آن، عدم اجتناب یا قطع ارتباط با آن، ایجاد میل برای کاهش رنج و شفای خود با مهربانی می‌باشد. شفقت خود همچنین شامل ارائه درک بدون قضاوت نسبت به درد، نارسایی‌ها و شکست‌های خود است، به‌طوری که تجربه فرد به‌عنوان بخشی از تجربه بزرگتر انسانی تلقی می‌شود. نف استدلال کرده است که شفقت خود باید با افزایش رفاه همراه باشد که در افسردگی کمتر، اضطراب کمتر و رضایت بیشتر از زندگی منعکس می‌شود) (نف، ۲۴، ۲۰۰۳b، ۲۰۰۳a).

به گفته نف (۲۰۲۳)، شفقت خود از سه پیوستار دوقطبی شامل مهربانی با خود در مقابل خود قضاوتی ۲۵ که به توانایی فرد برای رفتار با ملایمت و پذیرش به جای انتقاد و تحقیر اشاره دارد، انسانیت مشترک در مقابل انزوا ۲۶ که به معنای پذیرفتن شکست‌ها یا نقص‌ها به‌عنوان تجربیات مشترک انسانی در برابر منحصر به فرد دانستن آن‌ها است و ذهن‌آگاهی در مقابل همانندسازی فراقنانه ۲۷ که به منظور تعادل بین ارزیابی بدون قضاوت و سرکوب احساسات به جای خود آزاری

است، تشکیل شده است. به این ترتیب، شفقت خود، فرد را قادر می‌سازد تا به جای خود انتقادی، سرزنش خود و افکار غیرمنطقی، احساسات را سازگارانه‌تر مدیریت کند. اگر افراد در مواجهه با رنج، بی‌کفایتی یا شکست، با خود مشفق باشند، به این معنی است که به جای اینکه درد خود را کوچک جلوه دهند یا با انتقاد از خود، خود را سرزنش کنند، درکی بدون قضاوت از خود داشته باشند. این فرآیند شامل تشخیص این موضوع است که ناقص بودن، اشتباه کردن، و مواجهه با مشکلات زندگی بخشی از تجربه مشترک انسان است، چیزی که همه انسان‌ها از آن عبور می‌کنند نه اینکه اتفاقی است که فقط برای من می‌افتد. شفقت خود مستلزم اتخاذ رویکردی متعادل نسبت به تجربیات منفی خود است تا احساسات دردناک، نه سرکوب شوند و نه اغراق‌آمیز جلوه داده شوند (نف، ۲۰۲۳).

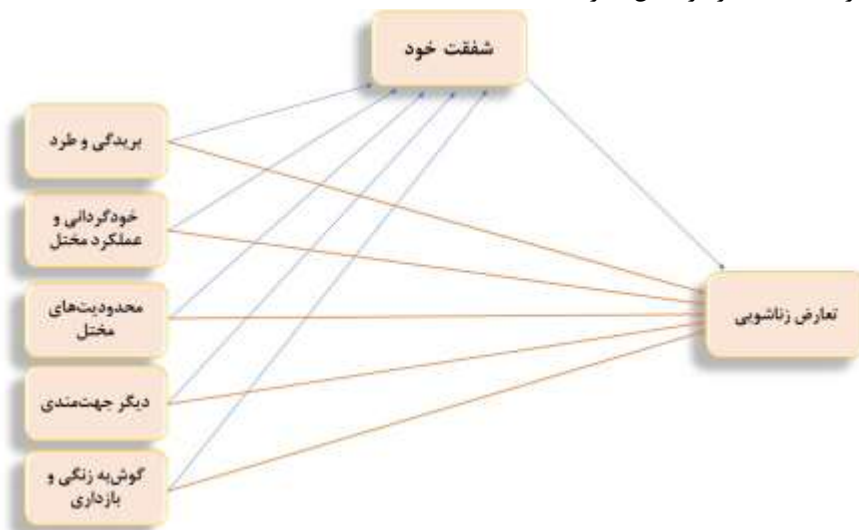
تلاش مطالعه حاضر این است تا فراتر از ارتباط مستقیم بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی، متغیر شفقت خود را به‌عنوان متغیر میانجی در این رابطه بررسی کند. طرحواره‌های ناسازگار اولیه به‌عنوان یک نظریه به منظور تبیین کژکاری‌های شناختی و به‌علاوه رفتارها و هیجان‌های مختل‌کننده توسط یانگ مطرح شده است. به لحاظ نظری، با در نظر گرفتن اینکه طرحواره‌های ناسازگار اولیه در کودکی شکل می‌گیرند، می‌توانند تأثیرات پویایی بر وضعیت روان‌شناختی فرد مانند شفقت خود داشته باشند (زینل و اوزرر، ۲۰۲۰). گیلبرت (۲۰۰۵) توضیح داد که شفقت خود می‌تواند به افراد کمک کند احساس ارتباط، مراقبت و آرامش عاطفی خود را بهبود دهند. نف (۲۰۰۳) نیز نشان داد که شفقت خود می‌تواند به‌عنوان یک استراتژی تنظیم عاطفی عمل کند که در آن احساسات منفی، همراه با آگاهی، مهربانی و مراقبت ورزیدن نسبت به آن‌ها و همین‌طور در نظر گرفتن احساسات مشترک حفظ می‌شوند. به عبارتی یعنی شفقت خود ممکن است به بهبود احساسات منفی و تبدیل آن‌ها به احساسات مثبت کمک کند. بنابر این دیدگاه، قابل تصور است که شفقت خود، در برخورد منعطف با مشکلات زناشویی به افراد کمک کند. از این رو انتظار می‌رود که شفقت خود به‌عنوان مکانیسمی عمل کند که از طریق آن طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعارض زناشویی تأثیر می‌گذارند. از نظر تجربی نیز، شفقت خود به طور منفی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه (حسنی و همکاران، ۳۰، ۲۰۲۱) و تعارضات زناشویی (عراقیان و همکاران، ۲۰۲۰) و به طور مثبت با رضایت زناشویی (تشویقی و همکاران، ۳۱، ۲۰۲۳؛ شه‌ماروند و همکاران، ۲۰۲۲) رابطه دارد.

پیشینه‌های پژوهشی از روابط بین متغیرهای پژوهش حاضر حمایت می‌کنند. نتایج مطالعه عدل پرور و همکاران (۲۰۲۳) حاکی از آن بود که بین چندین حوزه از طرحواره‌های ناسازگار اولیه از جمله حوزه بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، گوش به زنگی بیش از حد و بازداری با تعارضات زناشویی رابطه مثبت و معناداری وجود دارد. کریمی‌فر و فراهانی (۲۰۲۳) در مطالعه‌ای با هدف اثربخشی آموزش متمرکز بر شفقت بر انعطاف‌پذیری شناختی، صمیمیت و

کیفیت روابط زناشویی زنان دارای تعارضات زناشویی به این نتیجه دست یافتند که آموزش متمرکز بر شفقت بر انعطاف‌پذیری شناختی، صمیمیت و کیفیت روابط زناشویی در زنان دارای تعارضات زناشویی تاثیر معنادار دارد. اربابی و همکاران (۲۰۲۲) در مطالعه‌ای با هدف اثر بخشی شفقت خود بر کیفیت زندگی و تاب‌آوری زوج‌های دارای تعارضات زناشویی به این نتیجه دست یافتند که شفقت خود افزایش معناداری در تاب‌آوری، بهزیستی روانشناختی و کیفیت زندگی زوجین با تعارضات زناشویی ایجاد می‌کند. مطالعه حسنی و همکاران (۲۰۲۱) نشان داد که شفقت خود در رابطه بین طحوراه‌های ناسازگار اولیه و بهزیستی روانشناختی نقش میانجی دارد. پژوهش سیفی زاده و همکاران (۲۰۲۰) با هدف شناسایی رابطه بین طحوراه‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی (که به نوعی نقطه مقابل تعارض زناشویی می‌باشد) و همچنین تعیین نقش واسطه‌ای ترس از صمیمیت در این رابطه، انجام گرفت. نتایج مطالعه آن‌ها نشان داد که بین طحوراه‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی برای مردان و زنان رابطه منفی و معنادار وجود دارد. همچنین یافته‌های مربوط به تحلیل مسیر نشان داد که ترس از صمیمیت میانجی‌گر رابطه طحوراه‌های ناسازگار اولیه و سازگاری زناشویی می‌باشد. در پژوهشی، تیم (۲۰۱۷) با هدف بررسی روابط بین طحوراه‌های ناسازگار اولیه، ذهن‌آگاهی، شفقت خود و پریشانی روانی به این نتیجه دست یافت که بین طحوراه‌های ناسازگار اولیه و ذهن‌آگاهی و شفقت خود رابطه منفی وجود دارد. به‌علاوه ذهن‌آگاهی و شفقت خود، ارتباط بین طحوراه‌های ناسازگار اولیه و پریشانی روانی را واسطه کردند. پژوهش یارنل و نف (۲۰۱۳) نیز نشان داد سطوح بالاتر شفقت خود با سازش بیشتر و احتمال کمتر تبعیت کردن از نیازها و خواسته‌های خود مرتبط است. این موضوع بیانگر این است که افرادی که سطوح بالاتری از شفقت خود دارند، بیشتر احتمال دارد رویکردی سازشی را برای حل تعارضات انتخاب کنند. همچنین نتایج پژوهش عدل‌پرور و همکاران (۲۰۲۲) نشان داد که از بین طحوراه‌های ناسازگار اولیه، حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و گوش‌به‌زنگی با تعارضات زناشویی رابط مثبت و معناداری دارند.

در رابطه با پیش‌فرض‌های لازم برای تحلیل مسیر و ضرورت پژوهش حاضر باید بیان کرد که اگرچه ارتباط شفقت خود با تعارضات زناشویی (عراقیان و همکاران، ۲۰۲۰؛ صفاری نیا و همکاران ۳۴، ۲۰۱۹؛ یارنل و نف، ۲۰۱۳)، و با طحوراه‌های ناسازگار اولیه (حسینی و همکاران، ۲۰۲۱؛ عبدالمهدی بقرآبادی و همکاران ۳۵، ۲۰۲۱) و همچنین ارتباط طحوراه‌های ناسازگار اولیه با تعارضات زناشویی (عدل‌پرور و همکاران، ۲۰۲۲؛ مقتدر و حلاج ۳۶، ۲۰۱۸؛ مک درمورت ۳۷، ۲۰۱۷؛ هراتیان و همکاران ۳۸، ۲۰۱۵) در ادبیات تحقیق مشخص است، اما تاکنون رابطه بین این متغیرها به‌عنوان یک مدل ساختاری در افراد متاهل مورد بررسی قرار نگرفته و این شکاف در ادبیات تحقیق مشهود است. مشکلاتی که از طریق حل نادرست تعارضات زناشویی بوجود می‌آیند می‌توانند خسارت جبران‌ناپذیری

بر پیکر خانواده وارد کنند به شکلی که تعارضات زناشویی در اغلب موارد، پیش‌درآمد جدایی زوجین است. انجام مطالعاتی در این زمینه برای تعیین عوامل دخیل در تعارض زناشویی، بسیاری از جنبه‌های پنهان را آشکار می‌کند و درک بهتری از این موضوع را برای روان‌درمانگران شاغل در این حوزه ایجاد می‌کند. بنابراین انجام این پژوهش برای رفع خلأهای پژوهشی در این زمینه و همچنین شناخت بهتر عوامل موثر در شکل‌گیری تعارض زناشویی و همینطور کمک به ثبات و استحکام خانواده ضروری به نظر می‌رسد. از این رو هدف پژوهش حاضر این بود که آیا مدل پیشنهادی از برآزش مطلوبی برخوردار است؟ و شفقت خود می‌تواند در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی نقش میانجی داشته باشد؟ فرضیه‌های این مطالعه عبارت بودند از (۱) طرحواره‌های ناسازگار اولیه با شفقت خود رابطه دارند، (۲) شفقت خود با تعارض زناشویی رابطه دارد، (۳) طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تعارض زناشویی رابطه دارند، (۴) طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق شفقت خود با تعارض زناشویی رابطه دارند. مدل مفروض برای رابطه مورد نظر در مطالعه حاضر در شکل ۱ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل مفروض رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی از طریق شفقت خود

روش

روش پژوهش حاضر، توصیفی از نوع همبستگی و برای رسیدن به هدف پژوهش از تحلیل مسیر استفاده شد. جامعه آماری شامل کلیه افراد متاهلی بودند که در ده ماهه اول سال ۱۴۰۲ به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه مراجعه کردند. برای جمع‌آوری داده‌های مرتبط با تحقیقات از نوع مدلیابی

معادلات ساختاری با رویکرد تحلیل مسیر، تعیین کردن حجم نمونه از اهمیت بالایی برخوردار است (مک‌کیتی ۲۰۰۴، ۴۰). هرچند در ارتباط با حجم نمونه لازم برای مدل‌های ساختاری و تحلیل عاملی توافق کلی وجود ندارد (شریبر و همکاران ۲۰۰۶، ۴۱)، اما کالین ۴۲ (۲۰۱۶) برای تعیین حجم نمونه، به ازای هر متغیر حداقل پنج شرکت‌کننده و به صورت مطلوب بیست شرکت‌کننده برای هر متغیر پیشنهاد داده است. با توجه به جامعه آماری برای جمع‌آوری نمونه به این صورت عمل شد که به ازای هر متغیر تعداد ده نمونه در نظر گرفته شد. تعداد متغیرهای پژوهش در مجموع هجده مورد بود که در نهایت تعداد حجم نمونه ۱۸۰ به دست آمد که با احتساب داده‌های مخدوش و پرت، تعداد ۲۸۰ نفر با استفاده از روش نمونه‌گیری در دسترس به عنوان نمونه انتخاب شدند. که بعد از بررسی داده‌های مخدوش و پرت تعداد ۷۰ پرسشنامه از تحلیل کنار گذاشته شد و تحلیل نهایی بر روی ۲۱۰ پرسشنامه (۱۲۱ زن و ۸۹ مرد) انجام شد. ملاک‌های ورود شامل متاهل بودن شرکت‌کنندگان، برخورداری از توانایی خواندن و نوشتن، گذشتن حداقل دو سال از ازدواج شرکت‌کنندگان و تمایل به شرکت در پژوهش و ملاک خروج نیز همکاری نکردن در تکمیل پرسشنامه‌ها بود. به منظور اجرای پژوهش، کلینیک‌هایی که تمایل به همکاری داشتند انتخاب و پس از توضیحات کامل به مسئول کلینیک در رابطه با هدف پژوهش، پرسشنامه‌ها بین مراجعه‌کنندگان توزیع و توضیحات کامل نیز در رابطه با نحوه پاسخگویی و محرمانه ماندن اطلاعات به آن‌ها داده شد. شرکت‌کنندگان پرسشنامه‌های تعارض زناشویی (MCQ)، طرحواره‌های ناسازگار اولیه (YSQ-SF) و شفقت خود (SCS) را تکمیل نمودند. تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر با نرم افزارهای SPSS-26 و AMOS-24 انجام شد.

پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه: (43YSQ-SF) پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه توسط یانگ (۱۹۹۸) تدوین شده است. فرم کوتاه این پرسشنامه مشتمل بر ۷۵ ماده است که ۱۵ طرحواره را در ۵ حوزه کلی می‌سنجد. این ۵ حوزه شامل حوزه بریدگی و طرد، حوزه خودمختاری و عملکرد مختل، حوزه دیگر جهت‌مندی، حوزه بازداری و گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و حوزه محدودیت‌های مختل می‌باشد. نمره بالا نشان‌دهنده روان‌بندهای ناسازگار اولیه است. این ابزار با پاسخ‌های ۶ درجه‌ای لیکرت از کاملاً غلط (۱) تا کاملاً درست (۶) درجه‌بندی می‌شود، نمره کل ندارد و نمرات افراد در ۵ حوزه ذکر شده قابل محاسبه است. در پژوهش والر و همکاران (۲۰۰۱) ۴۴ اعتبار مقیاس بر اساس آلفای کرونباخ برای کل آزمون ۰/۹۶۴ و برای تمام خرده مقیاس‌ها بالا بود، و ضرایب بازآزمایی بین ۰/۵ تا ۰/۸۲ در یک جمعیت غیربالینی به دست آمد. در ایران صدوقی و همکاران (۲۰۰۸) ۴۵ با بررسی ویژگی‌های روانسنجی پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر روی ۳۷ دانشجوی پسر دوره کارشناسی دانشکده‌های مختلف دانشگاه‌های شاهد و شهید بهشتی در تهران روایی سازه این پرسشنامه را با استفاده از تحلیل عامل تاییدی بررسی کردند نتایج نشان داد وجود ۵ عامل تایید شد. پایایی نیز به روش همسانی درونی با محاسبه ضریب آلفا کرونباخ برای نمونه‌های

فوق، ۰/۹۴ به دست آمد. گیائی و همکاران (۲۰۱۱) با بررسی ویژگی‌های روانسنجی فرم ۹۰ سوالی پرسشنامه طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر روی ۴۷۰ نفر نمونه غیربالینی و ۸۲ نفر نمونه بالینی ساکن شهر تهران، به این نتایج دست یافتند که طی تحلیل عامل در گروه غیربالینی، ۱۲ عامل حاصل شد که ۳ عامل با ۱۸ عامل یانگ مطابقت کامل داشتند. همچنین ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۴، میزان ویژگی بین ۰/۵۷ تا ۰/۷۳، میزان حساسیت بین ۵۱/۲۰ تا ۶۴/۶۰ و میزان روایی همزمان ۰/۶۴ برای عامل‌های استخراج شده به دست آمد. نقاط برش عامل‌ها به منظور تشخیص سرندی، توسط پرسشنامه طرحواره‌های یانگ، قدرت تشخیص بین دو گروه افراد بالینی و غیر بالینی را دارد. فاتحی زاده و عباسیان (۱۳۸۲)، به نقل از حقیقت منش و همکاران (۲۰۱۰) نیز روایی این پرسشنامه را به روش بررسی همبستگی با آزمون باورهای غیر منطقی ۰/۳۴ محاسبه کردند. در پژوهش حاضر نیز پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برآورد شد. پایایی حوزه بریدگی و طرد ۰/۹۲، حوزه خودمختاری و عملکرد مختل ۰/۹۱، حوزه دیگر جهت‌مندی ۰/۹۰، حوزه گوش‌به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری ۰/۹۱ و حوزه محدودیت‌های مختل ۰/۹۳ به دست آمد.

پرسشنامه شفقت خود (46SCS) این پرسشنامه ۲۶ سوالی در سال ۲۰۰۳ توسط نف ساخته شده است و با یک مقیاس لیکرت پنج درجه‌ای (تقریباً هرگز، به ندرت، گاهی، اغلب اوقات، تقریباً همیشه)، شفقت‌ورزی به خود را می‌سنجد. این مقیاس دارای ۶ زیرمقیاس، مهربانی نسبت به خود، قضاوت خود، اشتراکات انسانی، انزوا، بهشیاری و همانندسازی افراطی می‌باشد. در این پرسشنامه نمره بین ۲۶ تا ۴۴ نشان‌دهنده شفقت خود پایین، نمره بین ۴۴ تا ۸۶ نشان‌دهنده شفقت خود متوسط و نمره بالاتر از ۸۸ نشان‌دهنده شفقت خود بالا می‌باشد. ضریب همبستگی عامل‌های شش‌گانه این مقیاس نیز مورد تایید قرار گرفته است. نف ضریب آلفای کرونباخ نسخه اولیه این آزمون را ۰/۹۲ گزارش کرده است و پایایی بازآزمایی این مقیاس به فاصله زمانی سه هفته بین ۰/۷۵ تا ۰/۹۳ به دست آمده است (نف، ۲۰۰۳). در مطالعه شهبازی و همکاران (۲۰۱۵) نیز ضریب آلفای نمره کلی مقیاس شفقت خود ۰/۹۱ به دست آمد. علاوه بر این برای خرده مقیاس‌های مهربانی با خود، قضاوت کردن خود، تجارب مشترک انسانی، انزوا، ذهن‌آگاهی و همانندسازی فرافکنانه ضرایب آلفای کرونباخ به ترتیب ۰/۸۳، ۰/۸۷، ۰/۹۱، ۰/۸۸، ۰/۹۲، ۰/۷۷ می‌باشند. به علاوه ضریب همسانی درونی این پرسشنامه ۰/۹۲ و پایایی بازآزمایی آن نیز ۰/۹۳ گزارش شده است (رجبی و مقامی، ۲۰۱۵؛ قزل‌سفلو و همکاران، ۲۰۱۶). ضریب اعتبار این مقیاس با روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و با روش دو نیمه کردن ۰/۷۶ برآورد شد (رضوانی و سجادیان، ۲۰۱۸). در پژوهش شهبازی و همکاران (۲۰۱۵) که بر روی ۱۷۸ تن از زندانیان مرد شهر اهواز انجام شد به منظور سنجش روایی همزمان، فرم کوتاه پرسشنامه شفقت خود و شش زیر مقیاس آن با مقیاس سلامت عمومی برای کل مقیاس ۰/۴۵ و برای مولفه‌های همانند سازی افراطی ۰/۲۹، خود مهربانی ۰/۳۷، ذهن آگاهی ۰/۴۵، انزوا ۰/۲۹، اشتراک انسانی ۰/۴۸ و خود قضاوتی ۰/۲۸ گزارش شد. همچنین شهیدی و همکاران (۲۰۱۱)

ضریب همبستگی این مقیاس و مقیاس عزت نفس را ۰/۶۵ گزارش دادند. خسروی و همکاران (۲۰۱۳) روایی و اعتبار مقیاس شفقت خود را رضایت بخش اعلام کردند. در این پژوهش نیز پایایی پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ برآورد شد. پایایی نمره کل شفقت خود ۰/۹۲ به‌دست آمد.

پرسشنامه تعارض زناشویی (MCQ۴۸): توسط براتی و ثنایی (۱۳۷۵) ساخته شده است. این پرسشنامه یک مقیاس پنج درجه‌ای (هرگز، به‌ندرت، گاهی وقت‌ها، اکثر اوقات و همیشه) می‌باشد و نمره کل تعارض زناشویی و ابعاد آن را به‌دست می‌دهد. این ابعاد عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جداکردن امور مالی از یکدیگر. نمره بالا نشان‌دهنده تعارض بالا و نمره پایین نشان‌دهنده تعارض پایین است. نمرات کل پرسشنامه در دامنه بین ۴۲ تا ۲۱۰ قرار می‌گیرد. مشخصات روان‌سنجی این مقیاس توسط سازندگان آن به این شرح گزارش شده است: آلفای کرونباخ برای کل پرسشنامه ۰/۵۳ و برای خرده مقیاس کاهش همکاری ۰/۳۰، افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۶۰، افزایش واکنش هیجانی ۰/۷۳، کاهش رابطه جنسی ۰/۵۰، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۶۴، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان ۰/۶۴ و جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۵۱ گزارش شده است. به‌علاوه خسروی و همکاران (۲۰۱۱)۴۹ در رابطه با هنجاریایی این پرسشنامه از یک نمونه ۳۰ نفری به‌طور تصادفی استفاده کردند. آن‌ها آلفای کرونباخ کل پرسشنامه را ۰/۷۳ و برای هفت خرده مقیاس آن بدین شکل به‌دست آوردند: کاهش همکاری ۰/۶۷، کاهش رابطه جنسی ۰/۷۰، افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۸۵، افزایش جلب حمایت فرزندان ۰/۷۶، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۶۲، افزایش رابطه با خویشاوندان خود ۰/۷۷ و جداکردن امور مالی از یکدیگر ۰/۶۹. برای تعیین روایی این آزمون از تعدادی متخصص خانواده درمانی نظرخواهی شد، بنابر اعتقاد آن‌ها این آزمون دارای روایی محتوایی مناسبی بوده و مقدار آن نیز ۰/۸۳ محاسبه شد (ثنایی، ۱۳۷۹ به نقل از فرهنگندی و همکاران، ۲۰۲۳). پایایی پرسشنامه نیز از طریق روش دونیمه‌سازی ۰/۸۹ گزارش شده است (جزایری و همکاران). در این پژوهش پایایی پرسشنامه با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ برآورد شد. پایایی نمره کل تعارض زناشویی ۰/۹۳ به‌دست آمد.

یافته‌های پژوهش

از مجموع ۲۱۰ نفر شرکت‌کننده در پژوهش حاضر، ۵۷/۶ درصد (۱۲۱ نفر) زن و ۴۲/۴ درصد (۸۹ نفر) مرد بودند. میانگین و انحراف معیار سن شرکت‌کنندگان که در دامنه ۲۰ تا ۵۸ سال قرار داشتند، به ترتیب برابر با ۳۶/۴۲ و ۷/۰۷ بود. در جدول ۱ میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش ارائه شده‌است.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش

متغیر	میانگین	انحراف معیار
-------	---------	--------------

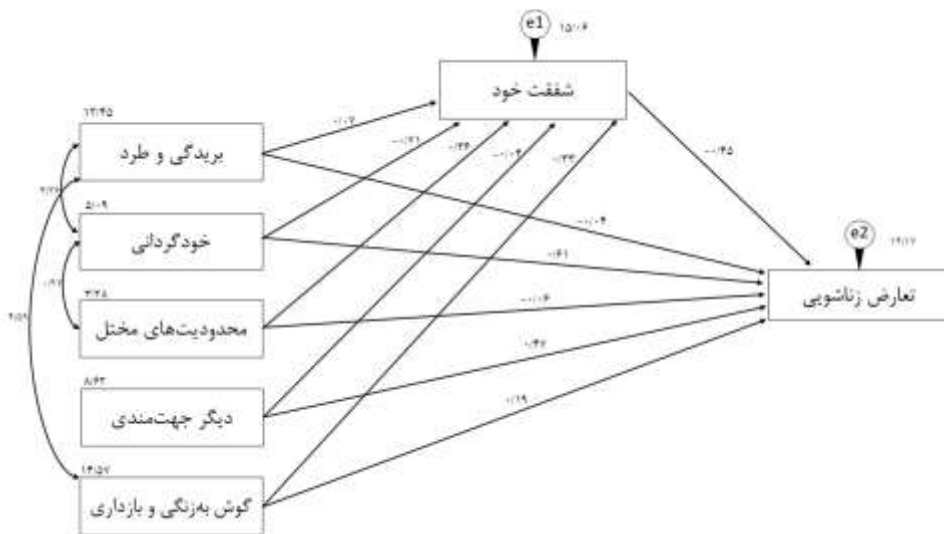
۲۳/۰۲	۵۱/۹۲	حوزه بریدگی و طرد
۱۶/۷۳	۳۷/۵۸	حوزه خودگردانی و عملکرد مختل
۸/۴۰	۲۲/۵۶	حوزه محدودیت‌های مختل
۹/۳۵	۲۴/۸۸	حوزه دیگر جهت‌مندی
۹/۶۴	۲۷/۳۱	حوزه گوش‌به‌زنگی بیش از حد و بازداری
۱۹/۲۱	۸۲/۱۴	شفقت خود
۲۸/۲۳	۹۴/۳۲	تعارض زناشویی

نتایج جدول نشان می‌دهد که میانگین تعارض زناشویی نسبت به سایر متغیرها بیشتر است. همچنین نتایج نشان می‌دهد که میانگین حوزه محدودیت‌های مختل نسبت به سایر متغیرها کمتر است. قبل از تجزیه و تحلیل، مفروضات تحلیل مسیر شامل توزیع نرمال، استقلال خطاها و هم‌خطی چندگانه مورد بررسی قرار گرفت. برای بررسی توزیع نرمال بودن متغیرهای پژوهش از چولگی و کشیدگی توزیع نرمات استفاده شد که نتایج آن نشان داد که توزیع نرمات تمامی متغیرها نرمال است (محدوده توزیع بین +۱ و -۱). برای بررسی استقلال خطاها از آزمون دوربین واتسون استفاده شد که نتایج آن نشان داد بین خطاها همبستگی وجود ندارد ($d.w=1/95$ ، محدوده بین ۱/۵ تا ۲/۵ قابل قبول است). هم‌خطی چندگانه زمانی وجود دارد که در یک مدل رگرسیون یک همبستگی قوی بین دو یا چند متغیر پیش‌بین وجود داشته باشد. برای بررسی هم‌خطی چندگانه بین متغیرهای پیش‌بین از عامل تورم واریانس (vif) و تحمل (tolerance) استفاده شد که نتایج آن نشان داد بین متغیرها، هم‌خطی وجود ندارد (دامنه vif کمتر از ۱۰ و tolerance بالاتر از ۰/۱ بود). فرض دیگر، برقراری رابطه بین متغیرهای پیش‌بین و ملاک است که با همبستگی پیرسون مورد بررسی قرار گرفت که نتایج آن در جدول شماره ۲ آمده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی متغیرهای پژوهش

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
بریدگی و طرد	۱						
خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۸۵۳ ۰/۰۰۱	۱					
دیگر جهت‌مندی	۰/۵۹۰ ۰/۰۰۱	۰/۷۳۹ ۰/۰۰۱	۱				
گوش‌به‌زنگی بیش‌از‌حد و بازداری	۰/۵۴۶ ۰/۰۰۱	۰/۴۸۲ ۰/۰۰۱	۰/۴۳۷ ۰/۰۰۱	۱			
محدودیت‌های مختل	۰/۵۷۵ ۰/۰۰۱	۰/۵۵۱ ۰/۰۰۱	۰/۵۳۵ ۰/۰۰۱	۰/۶۶۳ ۰/۰۰۱	۱		
شفقت به خود	-۰/۷۱۹ ۰/۰۰۱	-۰/۵۷۷ ۰/۰۰۱	-۰/۳۷۳ ۰/۰۰۱	-۰/۵۵۴ ۰/۰۰۱	-۰/۴۵۵ ۰/۰۰۱	۱	
تعارض زناشویی	۰/۷۴۳ ۰/۰۰۱	۰/۶۷۹ ۰/۰۰۱	۰/۴۸۶ ۰/۰۰۱	۰/۴۱۵ ۰/۰۰۱	۰/۳۲۵ ۰/۰۰۱	-۰/۱۶۷ ۰/۰۰۱	۱

نتایج همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که بین حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و همینطور گوش به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری با شفتت خود همبستگی منفی و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. بین شفتت خود با تعارض زناشویی همبستگی منفی و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد. همچنین بین حوزه‌های بریدگی و طرد، خودگردانی و عملکرد مختل، محدودیت‌های مختل، دیگر جهت‌مندی و همینطور گوش به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری با تعارض زناشویی همبستگی مثبت و معناداری در سطح (۰/۰۰۱) وجود دارد.



شکل ۲. ضرایب استاندارد مدل پیشنهادی تعارض زناشویی براساس طرحواره‌های ناسازگار با میانجی‌گری شفتت خود

جدول ۳. برآورد تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای پیش‌بین بر متغیر ملاک

سطح معناداری	اثرات غیرمستقیم	اثرات مستقیم	برآوردها
۰/۷۵۵	-	۰/۰۷۷	حوزه بریدگی و طرد به شفتت خود
-۰/۰۰۱	-	-۰/۷۱۴	حوزه خودگردانی و عملکردمختل به شفتت خود
-۰/۱۷۳	-	۰/۳۶۱	حوزه محدودیت‌های مختل به شفتت خود
-۰/۲۲۳	-	-۰/۰۴۱	حوزه دیگر جهت‌مندی به شفتت خود
۰/۰۰۱	-	۰/۳۳۱	حوزه گوش به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری به شفتت خود
۰/۰۵۹	-	-۰/۰۴۹	حوزه بریدگی و طرد به تعارض زناشویی

۰/۰۰۱	-	۰/۶۱۵	حوزه خودگردانی و عملکرد مختل به تعارض زناشویی
-۰/۰۶۹	-	-۰/۰۶۹	حوزه محدودیت‌های مختل به تعارض زناشویی
۰/۰۰۱	-	۰/۴۷۸	حوزه دیگر جهت‌مندی به تعارض زناشویی
۰/۱۹۵	-	۰/۱۹۵	حوزه گوش به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری با تعارض زناشویی
۰/۰۰۱	-	-۰/۴۵۵	شفقت خود با تعارض زناشویی
-۰/۰۰۱	۰/۰۳۵	-	حوزه بریدگی و طرد با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود
-۰/۰۰۱	۰/۳۲۵	-	حوزه خودگردانی و عملکرد مختل با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود
-۰/۰۰۱	۰/۱۶۴	-	حوزه محدودیت‌های مختل با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود
-۰/۰۰۱	۰/۰۱۹	-	حوزه دیگر جهت‌مندی با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود
-۰/۰۰۱	۰/۱۵۰	-	حوزه گوش به‌زنگی بیش‌ازحد و بازداری با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود

همانگونه که نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد اثر مستقیم حوزه دیگر جهت‌مندی با تعارض زناشویی، شفقت خود با تعارض زناشویی، خودگردانی و عملکرد مختل با تعارض زناشویی، خودگردانی و عملکرد مختل با شفقت خود، گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری با شفقت خود در سطح معنی‌دار قرار دارند. همچنین نتایج نشان داد اثر غیرمستقیم حوزه بریدگی و طرد با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود (۰/۰۳۵) مثبت و معنی‌دار است. اثر غیرمستقیم حوزه خودگردانی و عملکرد مختل با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود (۰/۳۲۵) مثبت و معنی‌دار است. اثر غیرمستقیم حوزه محدودیت‌های مختل با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود (۰/۱۶۴) مثبت و معنی‌دار است. اثر غیرمستقیم حوزه دیگر جهت‌مندی با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود (۰/۰۱۹) مثبت و معنی‌دار است. اثر غیرمستقیم حوزه گوش به‌زنگی بیش از حد و بازداری با تعارض زناشویی از طریق شفقت خود (۰/۱۵۰) مثبت و معنی‌دار است.

جدول ۴. شاخص‌های نیکویی برازش مدل ساختاری تعارض زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری شفقت خود

نوع شاخص	نام شاخص	اختصار	مقدار	دامنه قابل قبول
برازش مطلق	شاخص نیکویی برازش	GFI	۰/۹۷۷	بزرگتر از ۰/۹
	شاخص نیکویی برازش تعدیل شده	AGFI	۰/۹۰۷	بزرگتر از ۰/۸
برازش تطبیقی	شاخص برازش هنجار شده	NFI	۰/۹۵۱	بزرگتر از ۰/۹
	شاخص برازش تطبیقی	CFI	۰/۹۹۹	بزرگتر از ۰/۹
	شاخص برازش نسبی	RFI	۰/۸۵۳	بزرگتر از ۰/۹
	شاخص برازش افزایشی	IFI	۰/۹۹۹	بزرگتر از ۰/۹
برازش مقتصد	شاخص برازش مقتصد هنجار شده	PNFI	۰/۵۱۷	بالتر از ۰/۵
	میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	۰/۰۴۱	کمتر از ۰/۹
	کای اسکور هنجار شده به درجه آزادی	CMIN/DF	۱/۲۴	کمتر از ۵

نتایج جدول ۴ نشان می‌دهد که مقادیر NFI و CFI در تحقیق حاضر به ترتیب برابر با ۰/۹۵۱ و ۰/۹۹۹ است که نشان‌دهنده برازش مناسب مدل با داده‌ها است. مقدار میانگین مربعات خطای برآورد (RMSEA) برای پژوهش ۰/۴۱ است که این مقدار هم نشان‌دهنده برازش مناسب مدل با داده‌ها می‌باشد.

این مطالعه با هدف بررسی الگوی ساختاری تعارض زناشویی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه با میانجی‌گری شفقت خود در افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره شهر کرمانشاه انجام شد. نتایج به‌دست آمده از تحلیل مسیر نشان داد که مدل ارائه شده از برازش مطلوبی در نمونه مورد مطالعه برخوردار می‌باشد. تحلیل مسیر برای شناخت موضوع، تعیین عوامل، چیدمان اولیه فرضی و آزمون یافتن روابط معنادار آن مطابق مسیرهای تأثیرگذار روابط است. این فن بر پایه تحلیل رگرسیونی است که جنبه ساختاری با چند متغیر وابسته و مستقل دارد. محقق با ساز و کارهای آماری در تحلیل مسیر، همزمان تعامل چند متغیر را به صورت اثرات مستقیم و غیر مستقیم بررسی می‌کند. به عبارت دیگر تحلیل مسیر، تعمیمی از روش رگرسیون معمولی می‌باشد که می‌تواند افزون بر بیان آثار مستقیم، آثار غیرمستقیم و اثر کل هر یک از متغیرهای مستقل را برای متغیرهای وابسته نشان دهد (حمیدی‌زاده، ۲۰۲۰). یافته‌ها در رابطه با مسیرهای مستقیم نشان داد که هر پنج حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه با شفقت خود رابطه منفی و با تعارض زناشویی رابطه مثبت دارند، و همینطور شفقت خود با تعارض زناشویی رابطه منفی دارد. نتایج تحلیل مسیر نیز نشان داد که هر پنج حوزه طرحواره‌های ناسازگار اولیه از طریق شفقت خود با تعارض زناشویی رابطه دارند. در ادامه به بررسی و تبیین فرضیه‌های پژوهش پرداخته می‌شود.

در رابطه با فرضیه اول پژوهش، نتایج نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه (هر پنج حوزه) با شفقت خود رابطه منفی دارد. این نتایج همسو و مطابق با پژوهش‌های بقربادی و همکاران (2021)، یاکین و همکاران^{۵۰} (۲۰۱۹)، نوری و نقوی^{۵۱} (2018)، تیم (۲۰۱۷) بود. در تبیین این فرض می‌توان بیان نمود که طرحواره‌های ناسازگار اولیه شامل باورهایی می‌شوند که علت ایجاد آن‌ها برآورده نشدن نیازهای عاطفی در دوران کودکی است. این باورها از اوایل زندگی در مورد خود، دیگران و محیط پیرامون شکل می‌گیرند و در طول زندگی افراد معمولاً بدون تغییر و با ثبات باقی می‌مانند و در موقعیت‌های مختلف بر رفتار فرد تأثیر می‌گذارند. به سبب آنکه طرحواره‌های ناسازگار اولیه غالباً به طور ناخودآگاه تحریک می‌شوند، درک آن‌ها از این جهت که به چه طریقی بر زندگی روزانه فرد تأثیر گذارند، برای فرد دشوار می‌شود، از این رو کنترل فعال شدن اینگونه طرحواره‌هایی که به احساسات منفی و قوی منجر می‌شوند کار دشواری است (برنشتاین^{۵۲}، ۲۰۰۵؛ یانگ و همکاران، ۲۰۰۶). از سوی دیگر شفقت خود انعکاس دهنده نگرش‌های مثبت نسبت به خویش‌نمایی می‌باشد، که در دستیابی به حالات عاطفی مثبت و پایدار کمک می‌کند. برای افراد با طرحواره‌های ناسازگار اولیه، شفقت خود با تحریک کردن حالات درونی تسکین دهنده و بالا بردن میزان تقویت‌کننده‌های درونی، شرایط و

زمینه تغییر را محیا می‌کند به‌طوریکه با تغییر و تحول این سیستم، طرحواره‌های ناسازگار کاهش می‌یابند. شفقت خود یک راهبرد مقابله‌ای هیجانی کارآمد در نظر گرفته می‌شود. چون شفقت خود نیازمند یک آگاهی بهوشیارانه از هیجانات خویشتن می‌باشد، بنابراین از احساسات دردناک و ناراحت کننده اجتناب نمی‌شود، بلکه با دیدگاهی مهربانانه، نرم و احساسات مشترک انسانی به مواجهه با آن‌ها می‌پردازیم. بعلاوه شفقت خود به فعال شدن نظام تسکین خود کمک می‌کند و به این خاطر، به کاهش کناره‌گیری و احساس ترس در افراد منجر می‌شود (گیلبرت و آبرونز^{۵۳}، ۲۰۰۵).

در رابطه با فرضیه دوم نتایج نشان داد که شفقت خود با تعارض زناشویی رابطه منفی دارد. این نتایج همسو و مطابق با پژوهش‌های عراقیان و همکاران (۲۰۲۰)، صفاری‌نیا و همکاران (2019) و یارنل و نف، (۲۰۱۳) بود. در تبیین این فرض می‌توان بیان کرد افراد با شفقت خود بالاتر، بیشتر احتمال دارد تعارضات رابطه را به گونه‌ای حل کنند که نیازهای خود و دیگران را متعادل کند. افراد متاهلی که شفقت خود بالاتری دارند، بیشتر احتمال دارد که در تعارض با شرکای عاشقانه خود، به جای زیر پا گذاشتن نیازهای خود، مصالحه کنند. این نشان می‌دهد که افراد مشفق تمایل دارند برای نیازها و خواسته‌های شخصی خود و شرکای رابطه‌شان ارزش قائل شوند و به آن‌ها اجازه می‌دهد تا تعارضات در روابط را به شیوه‌ای سالم و سازنده حل کنند (گاتمن^{۵۴}، ۱۹۹۴؛ استین و آلبرو^{۵۵}، ۲۰۰۱؛ زاکیلی و همکاران^{۵۶}، ۲۰۰۹). به علاوه افراد مشفق نسبت به کسانی که فاقد شفقت خود هستند، کمتر احتمال دارد که خودشان را در اولویت قرار دهند. از آنجایی که درگیری و تعارض با شرکای عاشقانه اغلب از نظر عاطفی شدید است، ممکن است افراد با سطوح پایین‌تر شفقت خود، بستر عاطفی پایدار مورد نیاز برای پاسخگویی یکنواخت به درگیری‌ها را نداشته باشند، و به احتمال زیاد نیازهای خود را در اولویت قرار می‌دهند و تابع آن‌ها عمل می‌کنند (یارنل و نف، ۲۰۱۳). مطالعات نشان داده است که افراد دارای شفقت خود در مقایسه با افراد دارای شفقت پایین، سلامت روانی بیشتری از خود نشان می‌دهند، زیرا در چنین افرادی، درد اجتناب‌ناپذیر و احساس شکستی که همه تجربه می‌کنند با سرزنش ظالمانه خود و احساس انزوا ادامه نمی‌یابد (نف، ۲۰۰۹). افراد با درجه بالای شفقت خود و شفقت به دیگران، مهربان‌تر هستند و سعی در درک وقایع دارند. شفقت خود، پذیرش بازخورد مثبت را تسهیل می‌کند و توانایی مقابله با بازخورد خنثی را تقویت می‌کند (نف، ۲۰۰۳). در نهایت، مطالعات نشان می‌دهند که یک موضع مشفقانه نسبت به خود با تعاملات رابطه‌ای سالم‌تر و پایدارتر همراه است.

در رابطه با فرضیه سوم نتایج نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه (هر پنج حوزه) با تعارض زناشویی رابطه مثبت دارد. این نتایج همسو و مطابق با پژوهش‌های عدل‌پرور و همکاران (۲۰۲۳)، اسدزاده (۲۰۲۳)، عدل‌پرور و همکاران (۲۰۲۲)، مقتدر و حلاج (۲۰۱۸)، هراتیان و همکاران (2015)، اصغری و همکاران^{۵۷} (2015) بود. در تبیین این فرض می‌توان بیان نمود که ریشه‌های تحولی، توانایی این را دارند که بر رضایت زناشویی تاثیر بگذارند (نیک امال و همکاران^{۵۸}، 2018).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه، یکی از موارد این ریشه‌های تحولی است که نقش بسزایی در شکل‌گیری و ایجاد تعداد زیادی از اختلالات روانشناختی دارد (جارویس و همکاران^{۵۹}، ۲۰۱۹). طرحواره‌های ناسازگار اولیه به سبب برآورده نشدن نیازهای هیجانی اساسی در دوران کودکی پدیدار می‌شوند و این هنگامی است که نیازهای روانشناختی، اساسی و جهانشمول (شامل دلبستگی ایمن، خودگردانی، آزادی در بیان نیازها و هیجانان سالم، خودانگیختگی و محدودیت‌های واقع‌بینانه) ارضا نمی‌شوند (یانگ، ۲۰۰۶). طرحواره‌های ناسازگار اولیه، همیشه در جریان یک رابطه آشکار می‌شوند و سبب تأثیر در کنش‌ورزی رابطه در بسترهای مختلف می‌شوند. چون طرحواره‌ها بر تعبیر، تفسیر و برداشت افراد تأثیر می‌گذارند، توانایی بروز تعارض در روابط زناشویی را دارند. یک مشکل ارتباطی استوار بر طرحواره، الگویی از مشکلات، چالش‌ها و دردهایی است که یک نفر بر اثر عقاید منفی متأثر از طرحواره‌هایش در رابطه با دیگران پیدا می‌کند. در طول زمان اغلب، محتوای این مشکلات و ناراحتی‌ها ثابت می‌مانند و در روابط و بسترهای مختلفی از جمله روابط عاشقانه و روماتیک، روابط دوستانه و روابط شغلی تکرار می‌شوند (یانگ، ۲۰۰۶). مطابق با یافته‌های همسو با پژوهش حاضر، افزایش شدت طرحواره‌های ناسازگار اولیه با افزایش اختلافات، ناسازگاری‌ها و مشکلات زناشویی و به دنبال آن کاهش رضایت و صمیمیت زناشویی همراه است (سیفی زاده، ۲۰۱۹). یافته‌های این پژوهش و در یک راستا بودن نتایج آن با پژوهش‌های دیگر، نقش مهم و تعیین‌کننده طرحواره‌های ناسازگار اولیه را در تعارضات زناشویی آشکار می‌کند.

در رابطه با فرضیه چهارم پژوهش مبنی بر ارتباط طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی از طریق نقش میانجی شفقت خود، نتایج نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه (هر پنج حوزه) از طریق شفقت خود بر تعارضات زناشویی تأثیر غیرمستقیمی داشت. با این حال پژوهشی مبنی بر نقش میانجی شفقت خود در ارتباط بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تعارض زناشویی یافت نشد.

به طور معمول ماهیت ناکارآمد طرحواره‌های ناسازگار اولیه زمانی ظاهر می‌شود که افراد در طی زندگی روزمره و تعاملاتشان با دیگران به‌نحوی عمل کنند که طرحواره‌های آن‌ها مورد تایید واقع شود حتی اگر برداشت اولیه‌شان درست نباشد. بدین ترتیب طرحواره‌های ناسازگار اولیه و راه‌های نامناسبی که افراد از طریق آن‌ها می‌آموزند با دیگران کنار بیایند، می‌توانند پایه‌ای برای مشکلات متفاوت در زمینه‌های مختلف از جمله تعارضات زناشویی باشند (نف، ۲۰۱۵). مطابق با مدل شناختی، طرحواره‌های ناسازگار اولیه از عوامل موثر و مهم در شکل‌گیری ناسازگاری و تنش در زوجین هستند. معمولاً مشکلات بین‌فردی که زوجین با آن‌ها رو به رو می‌شوند، از شیوه تصور آن‌ها در روابطشان با دیگری متأثر می‌باشد. وقتی که طرحواره‌های ناسازگار اولیه دچار تحریف شوند، می‌توانند موجب تعارضات و مشکلات بین‌زوجی شوند. بدین سبب طرحواره‌های ناسازگار اولیه را می‌توان به‌عنوان عاملی در پیش‌بینی ناراضی‌تی‌های زناشویی در زوجین دانست (صابونچی و همکاران^{۶۰}، 2020). از طرف دیگر شفقت خود، در طی معضلات ارتباطی، آرامش مورد نیاز برای صحبت کردن را برای

زوجین فراهم می‌کند به این معنی که می‌تواند از اینکه به شریک عاطفی در طی تعارض اجازه بحث داده نشود، جلوگیری کند. شفقت خود موجب رثوف و مهربان‌تر شدن افراد شده و موجب می‌شود افراد با احساسات عاطفی و عشقی که نسبت به همسرشان دارند ارتباط برقرار کنند، بنابراین بیان احساسات مثبت در طی اختلافات تسهیل می‌شود. شفقت خود، نقص‌ها و کمبودها را می‌پذیرد، سبب بهبود روابط بین زوجین می‌شود و مسیر را برای شکوفا شدن عشق هموارتر می‌کند. هنگامی که افراد تلاش‌های خودخواهانه خود را کنار بگذارند، مهربانی و عشق آن‌ها به دیگران تشدید خواهد شد و با پذیرفتن زندگی به شکلی که وجود دارد و اجازه دادن به جریان یافتن حیات، اشتیاق و احساسات، می‌توانند به اوج خود برسند (نف، ۲۰۱۵). یانگ طرحواره‌های ناسازگار اولیه را به منظور تبیین کژکاری‌های شناختی و همچنین رفتارها، هیجان‌ها و احساسات مختل‌کننده مطرح کرد. با این فرض که طرحواره‌های ناسازگار اولیه در کودکی شکل می‌گیرند، می‌توانند اثرات منفی پویایی بر وضعیت روان‌شناختی فرد مانند شفقت خود داشته باشند (زینل و اوزر^{۲۸}، ۲۰۲۰). از طرفی شفقت خود به افراد کمک می‌کند به آرامش عاطفی و روانشناختی دست یابند و احساس ارتباط با خود و مراقبت از خود را بهبود دهند (گیلبرت، ۲۰۰۵). به علاوه شفقت خود می‌تواند به عنوان یک راهبرد تنظیم هیجان عمل کند که در آن احساسات منفی به واسطه‌ی آگاهی، مهربانی و مراقبت ورزیدن نسبت به خود و همینطور در نظر گرفتن احساس انسانیت مشترک، تنظیم و تعدیل شوند (نف، 2003b). به عبارتی یعنی فعال شدن طرحواره‌های ناسازگار اولیه موجب برانگیختن احساسات و عواطف منفی و تاثیر بر نوع رابطه زناشویی به شکل منفی و تنش‌زا می‌شود. از طرف دیگر شفقت خود با طرحواره‌های ناسازگار اولیه رابطه منفی دارد و ممکن است به بهبود احساسات منفی که از طرحواره‌های ناسازگار اولیه ناشی می‌شوند و تبدیل آن‌ها به احساسات مثبت کمک کند و معمولا افراد با شفقت خود بالا می‌توانند احساسات منفی حاصل از طرحواره‌ها را با احساسات مثبت تعدیل کنند. بعد از تعدیل احساسات و هیجانات منفی و تبدیل آن‌ها به احساسات مثبت توسط شفقت خود، این فرایند ممکن است منجر به کاهش تعارضات زناشویی شود. بدین سبب انتظار می‌رود که شفقت خود به عنوان مکانیسمی عمل کند که از طریق آن طرحواره‌های ناسازگار اولیه بر تعارض زناشویی تأثیر می‌گذارند. با جمع‌بندی مطالب و یافته‌هایی که ذکر شد؛ پیشنهاد می‌شود برای خلق و انسجام یک رابطه زناشویی مطلوب و متقابل بین زوجین، که طرحواره‌های ناسازگار هر یک از زوجین، سطوح شفقت خود و تقابل عناصر درون روانی آن‌ها ارزیابی و شناخته شود تا از طریق اصلاح نمودن و بهبود آن‌ها روابط زوج‌ها تداوم یابد.

این پژوهش با محدودیت‌هایی مواجه بود از جمله اینکه در این پژوهش، فقط از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شده است و از آنجا که پرسشنامه یک روش خودگزارشی می‌باشد، بنابراین، احتمال سوگیری در ارائه پاسخ‌ها مطرح می‌شود. محدودیت دیگر این بود که روش نمونه‌گیری مورد استفاده در این تحقیق نمونه‌گیری در دسترس بوده و فقط محدود به افراد متاهل مراجعه‌کننده به

کلینیک‌های روانشناختی شهر کرمانشاه می‌باشد، لذا این نمونه نمی‌تواند معرف کاملی از جامعه پژوهشی مورد نظر باشد. لذا در تعمیم نتایج به جامعه‌های بزرگ‌تر باید جانب احتیاط را رعایت کرد. به‌علاوه اگرچه در این مطالعه از روش تحلیل مسیر استفاده شده است، ولی ماهیت روابط از نوع ارتباطی می‌باشد و نه علت و معلولی، بنابراین برداشت‌های علیتی از این مطالعه پیشنهاد نمی‌شود. پیشنهادات زیر می‌تواند بر غنای مطالعات آتی در این زمینه بیفزاید. با توجه به اینکه تنها از پرسشنامه برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد و اینکار بحث سوگیری در ارائه پاسخ‌ها را مطرح می‌کند، پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی از دیگر روش‌های گردآوری داده‌ها مثل مصاحبه نیز استفاده شود. همین‌طور این مدل بر روی زوجینی که هر دو همسر در پژوهش حضور دارند تکرار شود.

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه رازی کرمانشاه می‌باشد. بدین‌وسیله نویسنده بر خود لازم می‌داند از شرکت‌کنندگان در این پژوهش، اداره بهزیستی و کلینیک‌های مشاوره شهر کرمانشاه که در این پژوهش همکاری نمودند مراتب تقدیر تشکر خود را به عمل آورد.

پی‌نوشت‌ها

1. Tasew & Getahun
2. Pathan
3. Chen & et al
4. Uhlich & et al
5. early maladaptive schemas
6. Adlparvar & et al
7. Moghtader & Halaj
8. Attachment
9. Autonomy
10. Spontaneity
11. self-control
12. disconnection
13. rejection
14. impaired Autonomy and Performance
15. impaired Limits
16. other-Directedness
17. overvigilance/Inhibition
18. Young & et al
19. Pascal & et al
20. Vaziri & Nezhadmohamad Namaghi
21. Dumitrescu & Rusu
22. self-compassion
23. Araghian & et al
24. Neff
25. self-Kindness versus self-judgment
26. common Humanity versus isolation
27. mindfulness versus overidentification
28. Zeynel & Uzer
29. Gilbert
30. Hassani & et al
31. Tashvighi & et al
32. Thimm
33. Yarnell & Neff
34. Safarinaia & et al
35. Abdullahi Boghrabadi & et al
36. Moghtader & Halaj
37. McDermott
38. Haratian & et al
39. structural equation modeling (SEM)
40. McQuitty
41. Schreiber & et al
42. Kline
43. Young schema questionnaire short form
44. Waller & et al
45. Sadoughi & et al
46. self-compassion scale
47. Shahbazi & et al
48. marital conflict questionnaire
49. Khosravi & et al
50. Yakin & et al
51. Nuori & Naghavi
52. Bernstein
53. Gilbert & Irons
54. Gottman
55. Stein & Albro
56. Zacchilli & et al
57. Asghari & et al
58. Nikamal & et al
59. Jarvis & et al
60. Saboonchi & et al

References

- Abdollahi, G., Sharifidaramadi, P., Ghodrati Mirkohi, M., & Vakili, S. (2021). Effectiveness of Mindful Self-compassion Training with Focus on Islamic-Iranian Life Style on Family Function Mothers of Children with Autism. *Scientific Journal of Social Psychology*, 57(8), 127-138 [in Persian].
- Adlparvar, E., safaeirad, I., Erfani, N., & jadidi, H. (2023). Predicting marital conflicts based on women's attachment styles on the verge of divorce: The mediating role of early maladaptive schemas. *Journal of Applied Family Therapy*, 3(5), 117-136 [in Persian].
- Adlparvar, E., Safaeirad, I., Erfani, N., & Jadidi, H. (2022). Modeling marital conflict based on attachment styles: The mediating role of early maladaptive schema domains in women on the verge of divorce. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, 65(1), 203-217 [in Persian].
- Araghian, S., Nejat, H., Touzandehjani, H., & Golmakani, Z. B. (2020). Comparing the effectiveness of quality of life therapy and compassion-focused therapy on the quality of interpersonal relationships and distress tolerance in women with marital conflict. *Journal of Fundamentals of Mental Health*.
- Arbabi, F., Saravani, S., & Zeinali Pour, M. (2022). The Effectiveness of self-compassion on psychological well-being, quality of life and resilience in couples with marital conflicts. *Feyz Medical Sciences Journal*, 26(1), 82-90 [in Persian].
- Asadzadeh, A., Hobi, M., Zare Bahramabadi, M & ,Farhangi, A. (۲۰۲۳). A structural model of the effect of early maladaptive schemas on marital conflicts mediated by alexithymia. *Knowledge and Research in Applied Psychology*. ۳۷-۲۷, (۲) ۲۴, [in Persian].
- Asghari, F., Sadeghi, A., Khakdoost, S. Z., & Entezari, M. (2015). Investigating the relationship between early maladaptive schemas with marital conflict and instability in the couples of applicant of divorce and normal couples. *Family pathology, Counseling and Enrichment Journal*, 1(1), 46-58 [in Persian].
- Bernstein, D. P. (2005). Schema therapy for personality disorders. *Handbook of personology and psychopathology*, 462-477.
- Boghrabadi, G. A., Daramadi, P. S., Mirkuhi, M. G., & Vakili, S. (2021). Effectiveness of Mindful Self-compassion Training with Focus on Islamic-Iranian Life Style on Family Function Mothers of Children with Autism [in Persian].
- Chen, S., Chen, T., & Bonanno, G. A. (2018). Expressive flexibility: Enhancement and suppression abilities differentially predict life satisfaction and psychopathology symptoms. *Personality and Individual Differences*, 126, 78-84.
- Dumitrescu, D. & Rusu, A. S. (2012). Relationship between Early Maladaptive Schema, Couple Satisfaction and Individual Mate Value: An Evolutionary

- Psychological Approach. *Journal of cognitive and behavioral psychotherapies*, 12(1), 63-76.
- farahmandi, M. H., bakhshipour, A., & Jajarmi, M. (2023). Effectiveness of Acceptance and Commitment Therapy on the Family Function and Satisfaction of the Marital Life of the Couples with Marital Conflicts. *medical journal of mashhad university of medical sciences*, 66(4), - [in Persian].
- Ghezelsefloo, M., Jazayeri, R., Bahrami, F., & Mohammadi, R. (2016). Relationship between original family health and self-compassion with marital commitment. *Journal of Mazandaran University of Medical Sciences*, 26(139), 137-148 [in Persian].
- Ghiasi, M., Molavi, M., Neshatdost, H., & Salavati, M. (2011). The Factor Structure of Farsi Version of Young Schema Questionnaire-S3 in Two Groups in Tehran. *Psychological Achievements*, 18(1), 93-118 [in Persian].
- Gilbert, P. (Ed.). (2005). *Compassion: Conceptualisations, research and use in psychotherapy*. Routledge.
- Gilbert, P., & Irons, C. (2005). Focused therapies and compassionate mind training for shame and self-attacking. In *Compassion* (pp. 263-325). Routledge.
- Gottman, J.M. (1994). What predicts divorce: The relationship between marital processes and marital outcomes. Hillsdale, NJ: Lawrence Erlbaum.
- Haghighat Manesh, E., Agha Mohammadian Shaer Baf, H. R., Ghanbari Hashem Abadi, B. A., & Mahram, B. (2010). Early maladaptive schemas and schema domains in rapists. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology*, 16(2), 145-153 [in Persian].
- Hamidzadeh, M. R. (2020). Path analysis. *Encyclopedia of Economics*, 3(1), 1-3 [in Persian].
- Haratian, abbas ali, janbozorgi, masuod, & agah haris, mozhgan. (2015). The role of early maladaptive schemas and religiosity in predicting matrimony conflict of married women. *The islamic journal of women and the family*, 3(4), 45-62 [in Persian].
- Hassani, S. F., Tizdast, T., & Zarbakhsh, M. R. (2021). The role of self-compassion and Hope in the relationship between psychological wellbeing, maladaptive schemas, resilience, and social support in women with multiple sclerosis. *Journal of client-centered nursing care*, 7(3), 195-204.
- Jarvis, M. A., Padmanabhanunni, A., & Chipps, J. (2019). An evaluation of a low-intensity cognitive behavioral therapy mHealth-supported intervention to reduce loneliness in older people. *International journal of environmental research and public health*, 16(7), 1305.
- Karimifar, Mehraveh, & Farahani, Fatemeh. (2023). The effectiveness of training focused on compassion on cognitive flexibility, intimacy and quality of marital relationships of women with marital conflicts. *Islamic life style centered on health*, 7(2), 307-319 [in Persian].

- Kaveh Farsani, Z., & Mahdieh, A. (2020). Exploring Couple Strategies in The Face of Marital Conflict: A Grounded Theory. *Journal Of Family Research*, 16(61), 77-95[in Persian].
- Khosravi, Z., Baliyad, M., Nahidpor, F., & Azadi, S. (2011). A Study of the Relationship among Attachment Styles, Forgiveness and Marital Conflicts in Couples Referring to Karaj Counseling Centers. *Quarterly Journal of Woman and Society*, 2(7), 61-80 [in Persian].
- Kline, R. (2016). Data Preparation and Psychometrics Review. Principles and Practice of Structural Equation Modeling (4th ed., pp. 64-96). New York, NY: Guilford.
- McDermott, N. (2017). Early maladaptive schemas, attachment, negative affect and relationship satisfaction. MA thesis. Rowan University.
- McQuitty, S. (2004). Statistical power and structural equation models in business research. *Journal of Business Research*, 57(2), 175-183.
- Moghtader, L., & Halaj, L. (2018). Comparing Early Maladaptive Schemas, Alexithymia and happiness in women with and with-out marital conflict. *Journal of clinical nursing and midwifery*, 7(2), 138-145 [in Persian].
- Neff, K. (2003a). Self-compassion: An alternative conceptualization of a healthy attitude toward oneself. *Self and identity*, 2(2), 85-101.
- Neff, k. (2019). Self-compassion: the proven power of being kind to yourself, Translated by Elham Musavian, Tehran: Arjmand publication [in persian].
- Neff, K. D. (2003b). The development and validation of a scale to measure self-compassion. *Self and identity*, 2(3), 223-250.
- Neff, K. D. (2009). The role of self-compassion in development: A healthier way to relate to oneself. *Human development*, 52(4), 211-214.
- Neff, K. D. (2023). Self-compassion: Theory, method, research, and intervention. *Annual review of psychology*, 74, 193-218.
- Nikamal, M., Salehi, M., & Bermas, H. (2018). Effectiveness of schema therapy based on emotional on marital satisfaction, of couple. *Journal of Psychological Studies*, 13(4), 157-174 [in Persian].
- Nuori, H. R., & Naghavi, M. (2018). Investigating the effectiveness of compassionate mind training (CMT) in the adjustment of early maladaptive schemas in opiate addicts under methadone maintenance treatment. *Scientific quarterly research on addiction*, 11(44), 187-208 [in Persian].
- Pathan, Z. A. (2015). Adversities of marital conflict: A sociological analysis. *Journal of Humanities and Social Science*, 20(2), 19-25.
- Pirsaghi, F., Nazari, A. M., Naiemi, G., & Shafaie, M. (2015). Marital conflicts: The role of defense styles and emotional schemas. *Iranian journal of psychiatric nursing*, 3(1), 59-69 [in Persian].

- Rajabi, G. H., & Maghami, E. (2015). Self-compassion as mediator between attachment dimensions with mental well-being: a path analysis model. *Health Psychology, 4*(16), 79-96 [in Persian].
- Rezapour Mirsaleh, Y., mosayebi, M., Khandaghi, Z., & Nazemi, B. (2022). Identifying and Ranking the Factors Affecting Early Marital Conflicts in Newly Married Couples with Interpretive Structural Modeling (ISM) Approach. *Journal of Family Research, 17*(4), 541-56 [in Persian].
- Razvani, M., & Sajjadian, I. (2018). The mediating role of self-compassion in the effect of personality traits on positive psychological functions among female university students. *Positive Psychology Research, 4*(3), 13-28 [in Persian].
- Saboonchi, F., Fard, F. D., & Behboodi, M. (2020). Structural Model of Predicting Marital Satisfaction Based on Attachment Styles and Life Orientation in Married Women: With the Mediating Role of Sensation Seeking. *Applied Family Therapy Journal (AFTJ), 1*(3), 102-120 [in Persian].
- Sadoughi, Z., Aguilar Vafaei, M., Rasoulzadeh Tabatabaei, S.K., & Esfahanian, N. (2008). Factor Analysis of The Young Schema Questionnaire-Short Form in A Nonclinical Iranian Sample. *Iranian Journal of Psychiatry and Clinical Psychology, 14*(2 (53)), 214-219 [in Persian].
- Safarinia, M., Mardani Valandani, Z., Alipour, A., & Aghayousefi, A. (2019). Effectiveness of cognitive self-compassion training on reduction of marital conflicts among divorce applicant couples. *Journal of Research in Behavioural Sciences, 16*(3), 299-310 [in Persian].
- Schreiber, J. B., Nora, A., Stage, F. K., Barlow, E. A., & King, J. (2006). Reporting structural equation modeling and confirmatory factor analysis results: A review. *The Journal of educational research, 99*(6), 323-338.
- seyfizadeh, H., Zareei Mahmodabadi, H., & Bakhshayesh, A. R. (2019). The relationship between early maladaptive schemas and marital adjustment with mediation fear of intimacy in married people. *Journal of Family Research, 15*(4), 467-486 [in Persian].
- Shahidi, M., Mojtahed, A., Modabbernia, A., Mojtahed, M., Shafiabady, A., Delavar, A., & Honari, H. (2011). Laughter yoga versus group exercise program in elderly depressed women: a randomized controlled trial. *International journal of geriatric psychiatry, 26*(3), 322-327 [in Persian].
- Shahmaravand, Sh ., Heydarian, N ., Shabib Asl, N & ., Matinfar, Behzad. (۲۰۲۲). Marital Satisfaction of Female Teachers: The Role of Predicting SelfCompassion and Spiritual Experiences. *Islamic Studies in Health, ۶*(۱), ۹۶-۸۵. [in Persian].
- SH, M., R, G., M, E., & J, A. (2015). Confirmatory Factor Analysis of the Persian Version of the Self-Compassion Rating Scale-Revised. *Psychological Models and Methods, 6*(19), 31-46. [in Persian].

- Stein, N. L., & Albro, E. R. (2001). The origins and nature of arguments: Studies in conflict understanding, emotion, and negotiation. *Discourse processes*, 32(2-3), 113-133.
- Tasew, A. S., & Getahun, K. K. (2021). Marital conflict among couples: The case of Durbete town, Amhara Region, Ethiopia. *Cogent Psychology*, 8(1), 1903127.
- Tashvighi, M., Rezaei Mollajegh, R., Neisi, S., & Tayyari, E. (2023). Developing a Marital Satisfaction Model Based on Self-Compassion and Emotion Regulation: The Mediating Role of Psychological Flexibility. *Cultural Psychology*, 6(2), 65-82 [in Persian].
- Thimm, J. C. (2017). Relationships between early maladaptive schemas, mindfulness, self-compassion, and psychological distress. *International Journal of Psychology and Psychological Therapy*, 17(1), 3-17.
- Uhlich, M., Nouri, N., Jensen, R., Meuwly, N., & Schoebi, D. (2022). Associations of conflict frequency and sexual satisfaction with weekly relationship satisfaction in Iranian couples. *Journal of Family Psychology*, 36(1), 140.
- Vaziri, N., & Nezhadmohamad Namaghi, A. (2020). Predicting marital conflicts based on early maladaptive schemas, difficulty in emotion regulation and differentiation in couples. *Women and Family Studies*, 13(49), 147-165 [in Persian].
- Waller, G., Meyer, C., & Ohanian, V. (2001). Psychometric properties of the long and short versions of the Young Schema Questionnaire: Core beliefs among bulimic and comparison women. *Cognitive therapy and research*, 25, 137-147.
- Yakın, D., Gençöz, T., Steenbergen, L., & Arntz, A. (2019). An integrative perspective on the interplay between early maladaptive schemas and mental health: The role of self-compassion and emotion regulation. *Journal of clinical psychology*, 75(6), 1098-1113.
- Yarnell, L. M., & Neff, K. D. (2013). Self-compassion, interpersonal conflict resolutions, and well-being. *Self and Identity*, 12(2), 146-159.
- Young, J. E. (1998). Young Schema Questionnaire: Short Form. *Cognitive Therapy Center*.
- Young, J., Klosko, J., Weishaar, M. (2006). *Schema therapy: A practitioner's guide*, Translated by Hassan Hamidpour, Zahra Andoz, Tehran: Arjmand publications [in Persian].
- Zacchilli, T. L., Hendrick, C., & Hendrick, S. S. (2009). The romantic partner conflict scale: A new scale to measure relationship conflict. *Journal of Social and Personal Relationships*, 26(8), 1073-1096.
- Zeynel, Z., & Uzer, T. (2020). Adverse childhood experiences lead to trans-generational transmission of early maladaptive schemas. *Child abuse & neglect*, 99, 104235.